

آزاد سازی مبادلات بازرگانی بین المللی از اندیشه تا عمل

«گات» + «انکتاد»

9

«مرکز تجارت بین المللی»

بخش اول - مبانی نظری:

به نظر می رسد پیش از آغاز سخن درباره مبانی نظری آزاد سازی مبادلات بازرگانی اشاره به مبادله یاداد وستد و اهمیت توجه به سیر تحول تاریخی آن ضرور باشد. بنا بر این باید پذیرش این واقعیت که بیشتر از دوران بسیار قدیم دست اندر کار مبادله به عنوان همزاد تولید - در ابتدائی ترین شکل آن - بود است. ملاحظه می شود که مبادله کالا از دوران بسیار قدیم وجود داشته است، با این تفاوت که در آغاز مبادله به صورت کالا در برابر کالا مرسوم و رایج بوده در حالی که امروز مبادله با خرید و فروش در برابر پول و در گونه های متفاوت آن مورد عمل است. اهمیت مبادله کالا به معنای مفهوم امروزی آن و به صورت آشکار نخستین بار در قرن هجدهم از سوی تعدادی از اقتصاد دانان عنوان شد و از نقطه نظر مبادلات بازرگانی ناظر بر یک دوره اقتصادی کاملاً محدود بود. دوره ای که به عنوان عصر "مرکانتالیسم" (Mercantalism) یا عصر سوداگری شناخته شده است.

در قرن شانزدهم عوارض ناشی از تورم و کنسید گسترش پولی، بویژه در پایان قرن سبب بروز مشکلات فراوان شد، لذا موجبات برقراری چنین سیاستی را در طول قرن بعد فراهم آورد.

بر اساس مکتب "سوداگری" یا مرکانتالیسم سیاست اقتصادی بایستی در مقیاس ملی بررسی و توجیه می شد. به بیان دیگر بایستی به گونه ای مورد عمل قرار می گرفت که حساب ثروت و قدرت حکومت به سادگی آشکار و قابل لمس می بود. بنا بر این مکتب سوداگری برایین باور بود که افزایش پول و تسریر در گونه فلزی آن، اصلی است که می تواند اقتصاد را توسعه و رونق بخش باشد. بنا بر همین نتیجه گیری است که در این دوره همواره عنوان شده است که هدف باید تحصیل موازنه مثبت بازرگانی باشد. به بیان دیگر دولت بایستی تمامی اقدامات ارشادی و اقتصادی خود را در جهت نیل به این هدف متمرکز سازد. این آموزه سبب برانگیختن مناظرات تعرفیمی بسیار، بروز جنگ های بزرگ، بویژه در دوران سلطنت لوئی



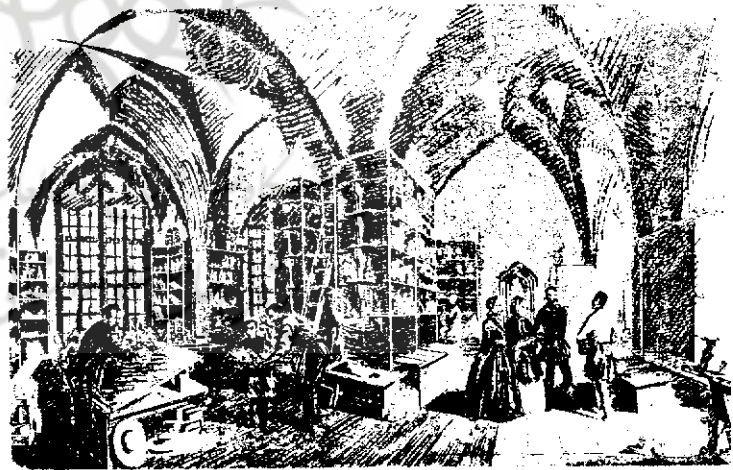
آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳)

دکتر امیر هوشنگ امینی

قسمت اول



دیوید ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲)



در دوران سوداگری (مرکانتالیسم) همه دولت ها می کوشیدند تمامی کالا های مورد نیاز خود را در داخل کشور تولید کنند. بدین سان همه جا کارگاهی تولیدی بر پا شده بود. تابلو کارخانه چینی سازی شهر مایسن آلمان در سده ۱۷ را نشان می دهد.

● «ثروت در جانی بیشتر انباشته خواهد شد که برای تولید آسان تر کالا به کار کمتر نیاز باشد، جایی که بازرگانی خارجی از امتیاز مستقیم برخوردار است»

چهاردهم شد و بیشتر کشورهای خاصاً "کشورهای اروپایی را رویاروی یکدیگر قرارداد .

حدوداً واسط فرن هیجدهم به دلیل تحولی طولانی که از سال ۱۷۴۰ در افزایش قیمت‌ها آغاز شده بود و عملاً "بازتاب آزادی طلبی کلاسیک بود ، تحولی هم‌جانمیدار اقتصاد اروپا رخ داد . تحولی که منجر به تثبیت سیاست اقتصادی مکتب کلاسیک شد ، مروجین مکتب آزاد ، فیزیوکرات و طرفداران آنها شعار : بگذار انجام دهند ، بگذار جریان یابد ((Laissez Faire, Laissez passe)) را سردادند . در انگلستان "آدام اسمیت" (۱) (Adam Smith) اسکاتلندی نشان داد که صرفه و صلاح در آن است که بجای استفاده از تولیداتی که هزینه‌شان در داخل بیشتر از تولید آن در خارج است از تولیدات خارجی استفاده شود . وی ثابت کرد که سودات و مقررات سوداگری با درآمد حاصل است که در کار بازرگانی همواره منتهایک برسد و یک بازنده وجود خواهد داشت . در هر حال روشن است که نظریه کلاسیک بازرگانی بین‌المللی در آغاز قرن نوزدهم برآموزه "مزیت‌های نسبی" "دیوید ریکاردو" David-Ricardo استوار بوده است . آموزه‌هایی که در واسط قرن نوزدهم به حذف برخی حقوق گمرکی در انگلستان منجر شد . حتی در فرانسه نیز کم‌کم سوداگری تا سال ۱۸۹۶ اجراء می‌شد ، اشخاص و اقتصاددانان صاحب‌نظری مانند "ژان باتیست سه" Jean-Batiste Say هم به طرفداری از آزادی مبادلات بازرگانی و برعلیه نظام سوداگری حاکم به مبارزه برخاستند . اینان اظهار می‌داشتند : "ثروت در جایی بیشتر انباشته خواهد شد . کمبری تولید آن‌سان تر کالای کم‌تر نیاز است ، جایی که بازرگانی خارجی از امتیاز مستقیم برخوردار است ."

موفقیت این اندیشه در سال ۱۸۶۰ با انعقاد قرارداد تجاری مبادلات آزاد بین فرانسه و انگلیس به وقوع پیوست و پس از آن بین ممالک اروپایی و در قرارداد های مشابه مورد استفاده و استناد قرار گرفت . آزادی مبادلات بازرگانی از سال ۱۸۶۰ به

عنوان یک اصل در انگلستان پذیرفته شد و مورد اجراء قرار گرفت . حتی در ایالات متحده آمریکا نیز بعد از یک دوره کاملاً "سوداگری نظام گمرکی تا اندازه سبک برقرار شد .

در قرن بیستم و به ویژه بعد از پایان یافتن جنگ جهانی دوم ، توجه به اهمیت هر چه بیشتر بازرگانی بین‌المللی و نقش آن در توسعه اقتصاد جهانی و آزادی مبادلات بین کشورهای از مقبولیتی چشمگیر برخوردار گشت . با وجود این تردید نیست که چنانچه اهمیت مبادلات آزاد مورد تأکید همه کشورهای ، به ویژه کشورهای پیشرفته نیز باشد ، باز ممکن است گرایش‌های سوداگری که در هر حال مانع مبادلات بازرگانی خواهد بود به گونه‌ی ظاهر شود .

در قرن بیستم به لحاظ د جنگ جهانی و بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۳۰ برخی ممالک پیشرفته به دلیل گرایش‌های ملی‌گرایانه ، خود را تنها و تنها ملزم به حفظ منافع اقتصادی خویش می‌دیدند . در حال حاضر نیز به وضوح دیده می‌شود که حتی برخی از کشورهای موافق با آزادی مبادلات بازرگانی در وضعی قرار دارند که در مشارکت برای آزادی مبادلات بازرگانی ایجاد مشکل می‌کنند . لذا این کشورها برای دستیابی هر چه بیشتر و سریع‌تر به رفاه اقتصادی و انجام اقداماتی برای حفظ صنایع ملی خود به‌تنبات و بازمی‌گردد و می‌جویند . با وجود این همان گونه که "آلابس" (Alais) یکی از سرشناسان دست‌اندرکار اقتصاد و بازرگانی بین‌المللی می‌گوید : (۲) "اقدامات محدود کننده یک کشور در برابر کشور دیگر ، امتیازهایی برای کشور تحمیل کنند مقررات گمرکی ایجاد می‌کند که منجر به بهبود سهم مبادلات بازرگانی آن کشور می‌شود . اما روشن است که کشورهای دیگر نیز قادر به مقابله به مثل می‌شوند و این اقدامات است که مبادلات را در آن واحد با محدودیت‌های متعدد مواجه می‌سازد و لذا مبادلات بازرگانی با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شوند . به همین دلیل است که چنانچه کشورهای مربوط بخواهند از مزایای بازرگانی بین‌المللی و درآمد حاصل از آن بهره‌مند شوند ، بایستی به عقد قرارداد های اقتصادی تن در دهند ."

از آنجا که هدف از آزادی مبادلات بازرگانی

بین‌المللی ، جایگزین کردن سیاست آشتی بازرگانی با سیاست جدال برانگیز بازرگانی است ، در این صورت تنها از این طریق است که می‌توان از امتیازات ناشی از آزادی مبادلات بازرگانی بهره‌جست و در حد امکان منافع مورد نظر را محفوظ داشت .

آزاد سازی مبادلات بازرگانی بین‌المللی می‌تواند بصورت یک‌جانبه و یا براساس توافق و یا چند جانبه انجام پذیرد . مانند توافق جاری ، بین ایالات متحده آمریکا ، کانادا و مکزیک (nafta=North American Free Trade Area)

و یا توافق مربوط به "گات" قرارداد عمومی تعرفه و تجارت "GATT"

(General Agreement on Tariff and Trade=GATT) در نهایت روشن است که آزادی مبادلات بازرگانی بین‌المللی می‌تواند در سطوح گوناگون ظاهر شود ، یعنی از تهیه و تدوین تعرفه‌های ترجیحی برای مناطق آزاد گرفته تا اتحادیه‌های گمرکی و همچنین جامعه‌های اقتصادی کامل که مرحله نهایی و پیشرفته آزادی مبادلات بازرگانی است .

اکنون توجه به این معنای حائز اهمیت است که مفهوم آزادی مبادلات بازرگانی بین‌المللی به گونه‌ی عملی با ایجاد مناطق آزاد بازرگانی صرف نظر از نمونه‌های ابتدایی و باستانی آن - نخست در اروپا آغاز و از رونق فراوان برخوردار گشت . اما این مناطق بازرگانی آزاد ، به ویژه بنادر آزاد بازرگانی که عهد مدار بازرگانی آزاد بین‌المللی بودند با ایجاد امپراتوری‌های بزرگ بازرگانی و ایجاد بنادر آزاد بازرگانی در مستعمرات رونق خود را از دست دادند . با این حال از آنجا که حرکت در جهت آزادی سازی بازرگانی بین‌المللی همواره مستلزم کاهش مقررات و قیودات فراوان است و این امر بین‌المللی می‌باشد بنا بر این تردید نیست که گفت و بین مقررات مربوط به کاهش مقررات و قیودات مورد اشاره باید به گونه‌ی باشد که بتوانند حس رقابت را در جهانی که هر روز بیش از پیش خود را در تمامی زمینه‌ها آزاد می‌سازد فراهم ساخته ، افزایش دهد . بدین سان است که آنچه اکنون در پی خواهد آمد ، توصیف کوتاهی است از گونه‌های متفاوت اندیشه و تفکر و همچنین

حرکت دربار و جهت آزاد سازی بازرگانی بین المللی به طور عمده به بیان دیگر گفتار است دربار مضامین یا مفاهیم مربوط به مقررات عمومی، نظریه بازرگانی بین المللی و همچنین آزاد سازی بازرگانی بین المللی که تطورات آن مناطق، سرزمین ها، قرار داد ها و جامعه های اقتصادی را در خود دارد.

تدوین مقررات عمومی:

هنگامی که از تهیه و تدوین مقررات عمومی برای آزاد سازی بازرگانی بین المللی سخن در میان است، مراد تحت مقررات جدید یا تعدیل قرارداد بخش یا تمامی جریان بازرگانی بین دو یا چند کشور به طور عمده و در موارد ویژه به طور خاص می باشد. بدین معنا که پیش از آن که برخی فعالیتها را به عنوان مثال از نظم خارج و یا از مقررات فارغ سازیم چگونگی تدوین مقررات را بهتر بشناسیم.

باید دانست که از دیر زمان هدف از تهیه و تدوین مقررات عمومی همواره ایجاد یا افزایش نرخ اشتغال، تامین منافع کل جامعه و محافظت سیاسی حاکم بر جامعه بوده است. با این حال به نظر می رسد شواهد بتواند تعریف جامعی برای آن یافت.

"شولتز" و "آلکساندرروف"

(Schultz & Alexandroff)

دو تن از برجسته ترین صاحب نظران در زمینه بازرگانی بین المللی، بویژه مناطق و سرزمین ها و اتحادیه های آزاد بازرگانی در باره تعریف مقررات عمومی، دو نوع تعریف ارائه داده، مشکلات مربوط را به بهترین وجه عنوان می کنند. (۳)

"برنیه" و "لاژوا" (Bernier & Lajoie)

در تعریف و تبیین تدوین مقررات، تعریف ارائه شده از سوی کمیته فعالیتهای دولتی سنای ایالات متحده آمریکا "را که به معنا و مفهوم وسیع کلمه پیشنها شده به شرح زیر عنوان می کنند. (۴)

"تدوین مقررات می تواند و یا بایستی دربرگیرنده کلیه فعالیت های دولت باشد. فعالیت هایی که بیشتر عبارتند از عرضه امتیازات و تحمیل محدودیت ها و در نهایت به معنای وسیع کلام در حد و برنامه های کمک نقدی، برنامه های تحقیق و توسعه، تنظیم

خدمات از نوع مالی و امتیازات ارائه شده به افراد بخش خصوصی توسط دولت " و اینها همه کلاً محتوای تدوین مقررات را شامل می باشند. به نظر برخی اقتصاد دانان سده لیل عمده برای تهیه و تدوین مقررات وجود دارد:

الف - اصلاح نواقص بازار

ب - توزیع مجدد ثروت و درآمد

پ - تامین هدفهای اجتماعی و فرهنگی

پیروان این طرز تلقی و روش برای این باورند که "ارشاد" و "بزه دولت" است و نباید پیش از آن که اثرات اقتصادی آن مشخص شود، برآورد و مورد سنجش قرار گیرد، زیرا نتیجه را اقتصاد بازاری است که اخلاق فردی و اجتماعی مشخص می شود و لذا نتایج آن قابل سنجش است. بهر حال توضیح دلائل سه گانه فوق به شرح زیر است:

الف - اصلاح نواقص بازار:

مفهوم با اصطلاح، اصلاح نواقص بازار به طور کلی اصولی شامل پنج حالت متفاوت است که در زیر فهرست وار عنوان خواهد شد.

- انحصار طبیعی: انحصار طبیعی به این معناست که یک صنعت تنها در یک صورت می تواند موثر باقی بماند که تنها یک تولید کننده وجود داشته باشد.

- رقابت: بایستی تحت مقررات باشد، یعنی قوانین و مقررات مربوط مدون باشد تا بتواند شرکت های بخش و مشتری ها را حمایت کند. وقتی صنعت نتواند خود را با کمبود موجود میان عرضه و تقاضا تطبیق دهد رقابت بوجود می آید.

- اثرات خارجی: مقررات زمانی تهیه و تدوین می شود که بین هزینه های اجتماعی و خصوصی اختلاف وجود داشته باشد، مانند آلودگیهای اجتماعی.

- استفاده نامطلوب از منابع ملی: استثمار توسط یک یا چند نفر ممکن است به خلع مالکیت دیگران یا استفاده غیر موثر و نامطابق منابع منجر شود.

- کمبود اطلاعات: برای تصمیم گیری و تهیه و تدوین مقررات باید تمامی اطلاعات را در اختیار داشت، چیزی که همواره وجود ندارد. روشن است که بر طرف ساختن این نوع مشکلات و نواقص مستلزم تدوین و اجرای مقررات، تحصیل و انتشار اطلاعات کافی و صحیح است. بمنحوی کمیتوان اصول را به کسانی که دارای اطلاعات نیستند رساند و به کسانی که دارای اطلاعات می باشند تحمیل کرد و بدین سان بتوان بخش خصوصی را در تصمیم گیری کمک و راهنما بود.

ب - توزیع مجدد ثروت و درآمد:

برای تامین شرایطی که بتوان به توزیع مجدد ثروت و درآمد دست یازید، بایستی ضمن محدود کردن منافع انحصاری و جلوگیری از جریان یا فتن قیمت های نامناسب و به طور کلی هر نوع تبعیضی در ارتباط با مصرف کننده بویژه در مورد کاهش انحراف از تحولات اقتصادی و کوشش در جهت برقراری و تضمین ثبات اقتصاد بی بهنگامی همه جا به اقدام کرد.

پ - تامین هدفهای اجتماعی و فرهنگی:

برای تامین هدف های اجتماعی و فرهنگی که بهر حال لازماً حفظ منابع ملی به بیسود بهداشت، حمل و نقل، ارتباطات و تامین امکانات گذران اوقات فراغت از کار روزمره می باشد، بایستی اقدام بعد تدوین مقررات کرد. عوامل رایج برای تدوین مقررات عبارتند از: کنترل مالکیت خارجی، برقراری قیمتهای مناسب و فارغ از نوسان و در نهایت محتوای مقررات و حقوق گمرکی.

تهیه و تدوین مقررات مستلزم صرف هزینه های گزاف می باشد. هزینه هایی که می توان آنها

را دارد و گروه، با عنوانهای هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم بندی کرد. روشن است که هزینه‌های مستقیم عبارتند از هزینه‌های مربوط به ضرورت تحمل هزینه‌های ادارات و - دستگا‌های عمومی، کاغذ بازیهای رایج در تمامی مالک و احترام به اصول و مبانی کار. در حالیکه هزینه‌های غیرمستقیم به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که مبنی‌منظور کنند کردن نقش نیروی بازاریاب و برقراری عدالت اجتماعی ایجاد می‌شود و در نهایت موجب زبان رساندن به ابتکارات تکنولوژیک خواهد بود.

بهر تقدیر بنا بر آنچه گفته شد باید توجه داشت که برقراری شرایط لازم برای ایجاد بازرگانی آزاد مستلزم کاهش و یکسان سازی مقررات است، زیرا تنها در چنین صورتی است که بازرگانی از جدا بیست لازم برخوردار می‌شود و بدین سان قادر به جذب سرمایه می‌گردد.

البته این کاملاً پذیرفتنی است که کاهش مقررات و تسهیل امور جاری بازرگانی، تصویر بازگشت ناگهانی به نیروی بازاریاب را به همراه دارد، اما از آنجا که تسهیل یا آزاد سازی بازرگانی به هیچ وجه به معنای حذف مقررات نیست، بنا بر این روشن است که مبنی‌منظور کاهش برخی نظارت‌های دولت بر برخی فعالیتها و تصمیم گیریها و در نهایت یکسان سازی مقررات می‌باشد. لذا به گونه‌ای که مشاهده می‌شود در بیشتر کشورهای پیشرفته برای اصلاح مقررات بیش از حد کوشش می‌شود. افزون بر این باید یادآور شد که در بخش مالی، تغییرات در قوانین و مقررات بانکی علاوه بر فراهم سازی امکان جلب سرمایه‌های خارجی، رقابت بین بانکهای خارجی را نیز افزایش خواهد داد و بدین سان بر توسعه حجم فعالیتها بازرگانی اعم از ملی و بین‌المللی خواهد افزود.

اما نکته‌ای که توجه‌مان در خور اهمیت است این که اساساً "گامش" مقررات به لحاظ بی‌آمد های ناشی از آن بسیار مشکل است.

"هربرت-گرویل (Herbert-Grubel) اقتصاددان بنام موسسه فریزر Frazer می‌گوید: (۵) "با آنکه تدوین مقررات بازرگانی بین‌المللی -

نظریه کلاسیک بازرگانی:

به عقیده "هاریس" (Harris) (۴) اساس نظریه کلاسیک بازرگانی مبتنی بر دکترین "مزیت‌های نسبی" (دیوید ریکاردو) David Ricardo می‌باشد، نظریه‌ای که در اوایل قرن نوزدهم مطرح شد. "ریکاردو" "بر این باور بود که آنچه همیشه از همه در هزینه تولید کالا دارای اهمیت است، همانا سهم نسبی هزینه‌های هر کارگر در کل هزینه تولید است و نه هزینه‌های مطلق، زیرا عامل اصلی تمامی کالاهای تولیدی یا قابل مبادله یکدیگر همانا کارگر است. وی نشان داد که وقتی بین دو کشور در شرایط مساوی تقاضای کالا مورد مبادله قرار می‌گیرد، هر یک از این دو کشور طرف داد و ستد دست به صدور کالایی می‌زند که در آن از امتیاز نسبی بیشتری برخوردار می‌باشند، بنا بر این با اختصاص آن کالا به خود، رفاه اقتصادی خود را افزایش می‌دهند.

اما آنطور که "کاو" و "جونز" (caves & Jones) در بخش بازرگانی کتاب "اقتصاد بین‌الملل" خود اشاره می‌کنند (۷) "ریکاردو" نمونه‌ی بسیار قدیمی و ساده‌ای می‌باشد که دلالت بازرگانی می‌باشد که امروزه دیگر پذیرفتنی نیست.

"ریکاردو" "بر این باور بود که تمامی کالاهای قابل مبادله ناشی از وجود یک عامل اصلی تولید و همانا نیروی کار کارگزار است و نیازی نیست که کشور برای تولید یک کالای مشخص دارای امتیاز مطلق مساوی در تولید همان کالا باشد. آنچه در مورد مبادله جریان تولید در خور اهمیت است، هزینه نسبی کارگر است و نه هزینه مطلق آن. فرض بر این است که در کشور (A) یک واحد کارگر می‌تواند دو واحد گندم تولید یا یک واحد پارچه تولید کند، در حالیکه در کشور (B) برعکس است با یک واحد کارگر می‌تواند دو واحد پارچه و یک واحد گندم تولید کند. در این صورت صلاح و صرفاً اقتصادی در آن است که کشور A به تولید گندم و کشور (B) به تولید پارچه بپردازد. به بیان دیگر ملاحظه می‌شود که در اینجا کشور (A) در تولید گندم و کشور (B) در تولید پارچه از مزیت نسبی برخوردار می‌باشند.

گونه‌ای عمل می‌کند که به طور مستقیم تنها برای چند نفر سودآور است، اما مسلم است که منافع اکثریت را نیز به همان اندازه تأمین می‌کند "وی بر این باور است و عنوان می‌کند که: "تنظیم مقررات به عنوان وسیله‌ای غیر دقیق، نمی‌تواند با تمامی نیازهای افراد یا یک ناحیه مقابله کند، اما بازرگانی آزاد - خواه از طریق انعقاد قرارداد های بازرگانی، ایجاد اتحادیه بازرگانی و نهایتاً "مناطق سرزمین های آزاد بازرگانی - بیشتر می‌تواند خود را با نیازها تطبیق دهد "گرویل" در این زمینه می‌نویسد: "نارسانگی‌های اداری و سودجویی همواره مانعی عمدتاً مفرار جذب و وفور سرمایه‌گذاری برای تولید کالا و خدمات است، در حالیکه کاهش یا تسهیل مقررات و به بیان دیگر آزاد سازی بازرگانی با جلب و جذب سرمایه موجب افزایش نرخ اشتغال می‌شود کیفیت و کارآیی کارگران محلی و... برای طرفین داد و ستد گذشته، موجبات تأمین منابع مالی را فراهم خواهد ساخت، کاری که در نهایت منجر به دستیابی به هدفهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مورد نظر خواهد گشت.

اثرات اقتصادی آزاد سازی مبادلات بازرگانی:

به نظر می‌رسد لازم به توضیح نباشد که منظور از آزاد سازی مبادلات بازرگانی چیزی جز کاهش موانع گمرکی و مالیاتی و همچنین قائل شدن برخی دیگر امتیازات در مبادلات بازرگانی نیست. نظریه "بازرگانی" بین‌المللی گویای آنست که چنین اقدامی، یعنی آزاد سازی حتی محدود مبادلات بازرگانی نیز مبادلات و تخصص‌ها را افزایش خواهد داد و اینها نیز به نوبه خود سبب پیشرفت خواهند شد. پیشرفت به معنای مفهوم واقعی آن، یعنی توسعه در معنای (Development) آن اکنون باید با کوشش هر چه بیشتر در با هم چگونه است که وقتی آزادی مبادلات وجود دارد برای کل جامعه منصرفاً به نفع اجتماعی بیشتر می‌شود.

نظریه سهم عوامل تولید:

به کوتاه سخن یادآور می‌شود که آموزه "مزیت نسبی" (ریکاردو) در سال ۱۹۳۳ با نظریه‌ای که از سوی "هکشر-اولین Haeckscher-Ohlin ارائه شد تا حد و زیادی تکمیل و گسترش یافت. بدین سان در مجموع ملاحظه شد که در نظریه مزیت نسبی "ریکاردو" سهم کلیه عوامل تولید نادیده انگاشته شد. مورد در نتیجه این تصور رادردن آدمی ایجاد می‌کرد که کشورهای هم‌دارای کلیه عوامل تولید که همان نیروی کار کارگر باشد می‌باشند.

این نظریه در سال ۱۹۵۳ از سوی "لئونتیف" (Leontief) مورد سنجش و آزمایش قرار گرفت. نظریه "اولین" عبارت از این بود که نسبتی که میان سرمایه و نیروی کار وجود دارد، بطور نمونه برای یک کشور صنعتی مانند ایالات متحده آمریکا بمراتب بالاتر از ظرفیهای بازرگانی آن کشور است. در حالی که "لئونتیف" در تجزیه و تحلیل‌هایی که در این زمینه به عمل آورد می‌توانست نتیجه دیگری رسید. می‌تواند در مجموع برعکس عنوان می‌شود و به عنوان "نظریه مخالف لئونتیف" معروف است. این تجزیه و تحلیل می‌گوید: ایالات متحده آمریکا صادر کننده را با سرمایه و نیروی کار قوی و سرمایه کم قوی توسعه می‌بخشد در حالی که تولیدات را با سرمایه زیاد وارد خواهد کرد. البته باید یادآور شد که هر دو نتیجه به این تضاد پاسخ گفتند و توجیه‌کننده موقعیت بودند و لذا با هیچ‌وجه نظریه "اولین" وارد نکردند.

در سال ۱۹۷۷ "موریس بیه (Maurice Bye) اقتصاددان فرانسوی در چارچوب این تجزیه و تحلیل توضیح داد که: (۸) منتهی شدن نظریه لئونتیف "به گسترش نظریه سنتی اجتناب ناپذیر است. به همین دلیل و دلایل دیگر بنا به عبار "هاریس" در سال ۱۹۶۰ کمتر اقتصاددان دست اندر کار امور بازرگانی بین‌المللی از پیش بینی‌های نظریه "مزیت نسبی" یا "سهم عوامل تولید" ارضاء شد، لذا به همین دلیل تجزیه و تحلیل‌های بازرگانی را در جهت دیگر سوق دادند.

آنها می‌توانستند در این باره واقعا "چرامسلا" کشورهای کانادا را که صادر می‌کند، عربستان سعودی

نفت؟ اما وقتی سخن از کالا‌های ساخته شده در میان است به زحمت قابل فهم است که چرا ایالات متحده تلویزیون، آلمان فولاد و ژاپن موتورسیکلت صادر می‌کنند. به همین دلیل است که "ورنون" (Vernon) در سال ۱۹۶۶ نظریه گردش تولید را پذیرفت و آن را با بازرگانی بین‌المللی تطبیق داد. این امر از طریق نوآوریها در تولید یا روش یک کارخانه در تولید توصیه می‌شود. امتیازی که به طور موقت در اختیار یک شرکت قرار می‌گیرد و ما دام که فروش با نوآوری عمومی نشده به کارگرفته می‌شود و لذا در واقع بصورت وجه مشترک رقابت در می‌آید. . . این منطق در آن زمان بر اساس یک برنامه اقتصاد کلان از سوی "ورنون" پذیرفته شد.

نظریه مبادلات بازرگانی:

با آنکه نظریه "مبادلات بازرگانی" بعد از نظریه "مزیت‌های نسبی" دیوید ریکاردو ارائه شد و تا حدودی هم مورد اصلاح قرار گرفت با این حال اساس آن تا اندازه‌ای حفظ شده است. اساس و مبنای این نظریه بیان بازرگانی بین‌المللی، بویژه مچگونگی عرضه مزیت‌های آن می‌باشد. "موریس بیه" (Maurice Bye) در این زمینه در سال ۱۹۷۷ عنوان کرد که: (۸) تجزیه و تحلیل کلاسیک و نتوانستند در شرایط متعادل به سبب وضع منابع و مساعدت عوامل مربوط به مبادلات بین‌المللی در مقام مقایسه با اقتصاد متمرکز بسته‌ها از متبناز بیشتری برخوردار می‌شود. . . .

به هر حال روشن است که بازرگانی بین‌المللی بایستی با محدودیت‌های اقدامات محدود کند. مقابله کند. توسل به تعرفه‌های گمرکی یا سهمیه بندی از سوی چند کشور سبب خواهد شد که مبادلات داخلی حفظ شود و صنایع کشور را در برابر بازرگانی بین‌المللی حفظ کند، اما مسلم است که در مقابل، اقدامات مشابهی را از سوی سایر کشورها موجب خواهد شد که بی‌تردید باعث کندی مبادلات بین‌المللی خواهد شد.

"رونالد شرر" (Ronald Scherer) اقتصاددان کانادایی و عضو کمیسیون سلطنتی کانادا در زمینه

اتحادیه اقتصادی و آید می‌پذیرد هم‌جانبه‌گانه‌ها در سال ۱۹۸۵ در تحلیلی عنوان می‌کند که: (۹) محدودیت‌های مربوط به بازرگانی بین‌المللی، به صورت مالی مانند: تعرفه گمرکی یا کمیت کالا مانند سهمیه بندی در فعالیت، اصلاح نسبی قیمت‌های تولیدات است. روشن است که:

- سهمیه بندی روی قیمت‌ها متقابلا "اثر می‌گذارد.
- سهمیه بندی موقعیت بازرگانی را محدود می‌کند، لذا موجودی تولیدات خارجی و افزایش قیمت‌ها را اصلاح می‌کند.
- سهمیه بندی به نوعی موجب بهبود قیمت‌ها می‌شود، البته به طور غیرمستقیم، بویژه در مقام مقایسه با تعرفه‌های گمرکی که روی قیمت‌های تولیدات خارجی اثر مستقیم دارند.

منابع:

- 1-Adam Smith-The wealth of Nations vd.II R.D.Irwin Inc.
- 2-Allain Maurice- La Liberation des Relations economiques international Ed.Gauthier PARIS 1972
- 3-Schultz R. + Alexandroff A.-La réglementation economiques et systeme- Federal Ottawa 1986
- 4-Bernier Ivan et Lajoie Andree, Les reelement les societes d'Etat et les Tribunaux administratives de developement du Canada Ottawa 1986
- 5-Grubel P.Free Market Zones Fraser Institute Vancouver 1983
- 6-Harris Richard G. le commerce, la politique, industrie et les perspectives de developement du Canada Ottawa 1935
- 7-Cayes, R et Jones R. International Economy ed. Armand Colin PARIS 1993
- 8-Bye'-Maurice-Relation Economique International, exchange internationaux Galloz PARIS 1977
- 9-Shearer,Ronald A. la regionalisme et la politique en matiere de commerce international Ottawa 1985

ادامه دارد

